

مکاتب فقهی اهل سنت از دانش امام باقر(ع) بهره بردند

به اعتراف دانشمندان، امام باقر(ع) و امام صادق(ع) تنها پیشوای شیعیان نبودند، بلکه همه مذاهب اهل سنت تحت تأثیر اندیشه آنان قرار گرفتند.



به اعتراف دانشمندان، امام باقر(ع) و امام صادق(ع) تنها پیشوای شیعیان نبودند، بلکه همه مذاهب اهل سنت تحت تأثیر اندیشه آنان قرار گرفتند.

به گزارش خبرنگار مهر، به مناسبت سالروز میلاد امام محمد باقر(ع)، یادداشتی از محمد نصیری(رضی)، استاد دانشگاه ادیان و مذاهب در پی می آید؛

امام باقر(ع)، پنجمین امام معصوم در یکم رجب سال ۵۷ ه. ق در شهر مدینه چشم به جهان گشود. نام آن حضرت «محمد»، کنیه اش «ابوجعفر» و لقبش «باقرالعلوم» یعنی شکافنده دانشهاست. امام باقر(ع) هم از طرف پدر و هم از طرف مادر به پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) و زهرا(ع) می‌رسد، زیرا پدر او امام زین العابدین(ع) فرزند امام حسین(ع) و مادر او بانوی گرامی فاطمه «ام عبد الله» دختر امام مجتبی(ع) است. بدین سبب آن حضرت را ابن الخیرتین و علوی بین علویین می‌نامیدند. آن حضرت در سال ۹۴ ه. ق و در سن ۳۷ سالگی به مقام عظمای ولایت و امامت رسید. در چهار سالگی آنگاه که شیرین ترین زمان کودکی را پشت سر می‌نهاد؛ حماسه سوزان عاشورا، جانش را با یکی از کاراترین شیوه های تبلیغ دین آشنا ساخت.

در دوران امامت حدود ۲۰ ساله آن حضرت، پنج خلیفه به نامهای ولید بن عبدالملک (۹۴ - ۹۶ ه. ق)، سلیمان بن عبدالملک (۹۶ - ۹۹ ه. ق)، عمر بن عبدالعزیز (۹۹ - ۱۰۱ ه. ق)، یزید بن عبدالملک (۱۰۱ - ۱۰۵ ه. ق) و هشام بن عبدالملک (۱۰۵ - ۱۱۴ ه. ق) به قدرت رسیدند. بر اساس مدارک تاریخی به استثنای عمر بن عبدالعزیز که نسبتا دادگر و علاقه مند به خاندان پیامبر(ص) بود، همه حاکمان این دوره در ستمگری و خودکامگی چون نیاکان شان بودند.

در دوران حکومت ولید بن عبدالملک، مرزهای سرزمین اسلامی از شرق و غرب توسعه یافت و ضمن در برگرفتن بخشهایی از هند، کابل، کاشمر، توس تا اندلس پیش رفت. به رغم نقاط روشنی که در زندگی و زمامداری ولید به چشم می خورد، وی نقاط ضعف و انحرافهایی آشکار داشت. به نوشته مورخان، ولید مردی ستمگر بود و به سبب تربیت نادرست، از ادب و شایستگی انسانی بی بهره بود. او فاسدان بسیار را امیر و فرماندار ساخت و بدین ترتیب، مردم را در وضعیتی دشوار قرار داد. حجاج بن یوسف پس از مرگ عبدالملک به وسیله ولید در پست خود ابقا شد و به جنایت و ستم خود ادامه داد.

شعاع تأثیر آموزگار و اصلاحات عمر بن عبدالعزیز

با آنکه طبق وصیت عبدالملک، یزید بن عبدالملک ولیعهد سلیمان بن عبدالملک بود، پس از سلیمان، عمر بن عبدالعزیز خلیفه شد و مورد استقبال قرار گرفت. عمر بن عبدالعزیز که با وضع پریشان امواج خشم و تنفر شدید مردم از دستگاه خلافت بنی امیه، رو به رو بود. بی درنگ در پی دلجویی از محرومان برآمد و به استانداران حکومت مرکزی نوشت: مردم به فشار و ستم دچارند و آئین الهی در میان آنان وارونه اجرا شده است. اکنون باید گذشته جبران شود و چنین کارهایی پایان پذیرد و از این پس، هیچ کس حق ندارد، پیش از مشاوره با من با کسی را کیفر دهد، یا به دار آویزد.

او برای مبارزه با فساد و تبعیض، تمام دارایی و لباسهای سلیمان بن عبدالملک را فروخت و بهای آن را که بیش از ۲۰ هزار دینار بود، به بیت المال بازگرداند. افزون بر این به عموزادگانش فرمان داد اموال عمومی را که تصاحب کرده بودند، به بیت المال برگردانند. میراث شوم و بدعت ننگین معاویه در ناسزاگویی به امام علی(ع) را از میان برداشت. فدک را به فرزندان حضرت فاطمه(س) تحویل داد و اعتراف کرد که فدک مال آنهاست و بنی امیه حقی در آن ندارد. متأسفانه پس از مرگ او، یزید بن عبدالملک به خلافت رسید، فدک را از سادات فاطمی پس گرفت و در اختیار بنی امیه قرار داد.

عمر بن عبدالعزیز در اقدامی شجاعانه، نگارش احادیث پیامبر(ص) را که از زمان ابوبکر و عمر به دلایل سیاسی ممنوع اعلام شده بود و تا زمان وی ادامه داشت، آزاد ساخت. هر چند به دلیل عدم پیش بینی دقیق کیفیت این اقدام و کوتاه بودن دوران خلافت او، از سویی دیگر، محدثان رسمی و طرفدار حکومت از بازگویی احادیث مربوط به فضائل اهل بیت و پیروان آنها خودداری کردند. این اقدام خلیفه آشکارا نوعی بدعت شکنی بود و بی تردید در مسمومیت وی و پایان یافتن حکومت دو ساله اش مؤثر واقع شد.

در این دوره، جامعه مسلمانان با مسائل بسیاری رو به رو بود، مسائلی که هر یک می توانست به گونه ای در تغییر مفاهیم اسلامی مؤثر باشد. نیرومند شدن نهضت به ویژه برگردان منابع فلسفی، گسترش مجادلات کلامی، سربرآوردن مشایخ صوفیه، شکل گیری زاهدان و قلندران وابسته به دستگاه خلافت، رواج افکار توجیه گرا، قدریه گری و اعتقاد به جبر، نهضت‌های مسلحانه مبارزاتی، آرای فقهی مختلف و ... گردابی متلاطم ساخته بود و ضرورت قیام مصلحی از یادگاران رسول خدا(ص) به طور کامل احساس می شد؛ مصلحی که حق را در سطح مسائل نظری و عملی پاس دارد تا جریانهای فکری، فلسفی و ... آن را تیره نسازد.

منطق مسلح و نهضت فکری پیروز

برای انجام هر عملی باید به آن احساس نیاز کرد. اگر ملتی نیاز درونی بر ضرورت اصلاح را احساس نکند، هرگز سوی اصلاح، تلاش و ایثار گام بر نمی دارد. امام باقر(ع) با شناخت کامل وضعیت زمان خود در جهت ساختن احساس فکری جامعه و پایه گذار نهضتی علمی، فقهی، فلسفی و کلامی تلاش کرد. او این نهضت را نیاز ضروری جامعه می دانست و سازمان دهی آن و وظیفه الهی خود به شمار می آورد. لقب شکافنده علوم و گشاینده درهای دانش که از سوی دانشمندان به آن حضرت داده شد، به سبب این اقدام عملی اوست.

تبیین نظریه امامت اسلامی به شکل کامل آن، مبارزه با افکار توجیه گرای مرجئه که از فرط سستی و تن پروری موضع مشخصی در برابر اشخاص و حوادث سرنوشت ساز تاریخی نمی گرفتند، ایستادگی خردمدارانه و استوار در برابر جنبشهای فکری انحرافی دیگر چون قدریه، که حسن بصری مبلغ آن بود و معاویه را به حکم الهی خلیفه می دانست، بخشی از تلاشهای امام باقر(ع) در مسیر اصلاح بنیان فکری جامعه است.

به اعتراف دانشمندان، امام باقر(ع) و امام صادق(ع) تنها پیشوای شیعیان نبودند، بلکه همه مذاهب اهل سنت تحت تأثیر اندیشه آنان قرار گرفتند. پایه گذاران چهار مکتب فقهی مهم اهل سنت از سرچشمه جوشان دانش الهی امام باقر(ع) بهره بردند و سخنان آن حضرت را بی واسطه و گاه با چند واسطه نقل کردند.

ابن حجر هیثمی می نویسد: محمد باقر به اندازه ای گنج های پنهان معارف و دانشها را آشکار ساخته، حقایق احکام و حکمتها و لطایف دانشها را بیان کرده که جز بر عناصر بی بصیرت یا بدسیرت پوشیده نیست و از همین جاست که وی را شکافنده و جامع علوم و برافروزنده پرچم دانش خوانده اند.

تربیت وزنه های علمی بزرگی چون محمد بن مسلم، زراره بن اعین، ابو بصیر، برید بن معاویه عجل، جابر بن یزید، حمران بن اعین، هشام بن سالم و ... شیعه را در میدان رقابت علمی، فقهی، تفسیری و کلامی مذاهب مختلف پیروز و سربلند ساخت.

مناظرات آن حضرت با دانشمندان نامور مکاتب و ادیان مختلف و درخشش پیوسته نور دانش آن فرزانه در مناظره ها سبب بیمناکی همواره خلفای بنی امیه شد و مقدمات رنج، تبعید و شهادت آن حضرت را فراهم آورد.